

فقه‌الدوله در تراث فقهی

قاضی ابن براج (قدس سره)*

مصطفی جعفرپیشه فرد

استاد درس خارج حوزه و عضو

هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

چکیده

اگرچه در طول تاریخ غالباً فقیهان تابع مذهب اهل‌بیت(ع)، از عرصه حکومت‌داری به دور بوده‌اند؛ ولی آثار فقهی ایشان از پرداختن به جنبه‌های حکومتی فقه غافل نبوده است. پی‌جویی محورهای مرتبط با حکومت و دولت در تراث فقهی شیعه، ما را به گنجینه‌ای عظیم و ارزشمند رهنمون می‌شود که می‌تواند پشتوانه‌ای قوی برای فعالیت‌های پژوهشی و علمی امروز و آیندگان باشد. مقاله پیش‌رو به عنوان نمونه به زوایایی از فقه دولت، در تراث علمی فقیه برجسته قرن پنجم هجری محقق، قاضی ابن‌براج می‌پردازد. در این مقاله پس از معرفی مؤلف و تراث او، طی سیزده عنوان، تنها به ذکر برخی از عناوین در آراء فقهی ابن‌براج در زمینه فقه دولت اشاره می‌شود. این عناوین عبارتند از: پرداخت خمس و زکات در عصر غیبت به فقیه جامع شرایط، منابع مالی دولت اسلامی، هزینه‌های بیت المال، حدود و ثغور ولایت مطلقه حاکمیت اسلامی، عصر ظهور و عصر استتار امام(ع)، انواع حکومت براساس مبانی فقهی شیعه در مقوله مشروعیت، لزوم حفظ اقتدار نظام توسط امام، پیمان امان دهندگی (عقد امان)، نظام قتال و جنگ در فقه اسلامی، نمونه‌هایی از نظام جامع قضاء اسلامی، نظام اسلامی و حفظ محیط زیست، نظام اسلامی، زن، خانواده و مقوله عفت، نظام جامع فقه سلامی و مقوله امداد. نگاهی به این عناوین، نشان می‌دهد که در تراث فقهی امامیه، با نظام جامعی روبرو هستیم که طبق آن احکام و مقررات لازم برای اداره جامعه اسلامی و نظام‌های ضروری مرتبط با آن به خوبی در آن پیش‌بینی شده است.

واژگان کلیدی: فقه دولت، قاضی ابن‌براج، تراث فقهی، نظام اسلامی، امام المسلمین، حاکمیت اسلامی.

مقدمه

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و استقرار نظام و دولت اسلامی، پرداختن به فقه حکومتی و نظام‌سازی و دولت‌سازی بر مبنای فقه، بیش از پیش اهمیت و ضرورت یافته است. انتظاری که امروزه از فقه برای پاسخ‌گویی به مسائل حکومت و اداره اجتماع و نظام جامعه اسلامی وجود دارد، بیش از گذشته است و انتظار می‌رود علما و پژوهشگران عرصه فقه با تکیه بر پویایی فقه امامیه و همین‌طور تراث عظیم فقهی که حاصل تلاش‌ها و مرارت‌های علمی فقهای سلف شیعه است، پاسخ‌های درخوری، برای مسائل حکومت و دولت اسلامی بیابند.

هرچند در طول تاریخ اسلام پیرون اهل‌بیت(ع) جز در برهه‌هایی کوتاه و به‌طور محدود، از حضور در عرصه حکومت‌داری به‌دور بوده‌اند، اما آثار فقهی فقهای شیعه از پرداختن به جنبه‌های حکومتی فقه غافل نبوده است. پی‌چوبی محورهای مرتبط با حکومت و دولت در تراث فقهی شیعه ما را به گنجینه‌ای عظیم و ارزشمند، رهنمون می‌سازد که می‌تواند پشتوانه‌ای قوی برای فعالیت‌های پژوهشی و علمی امروز و آینده فقه‌پژوهان و فقیهان امامیه باشد. حاصل این تحقیق علاوه بر تسریع در پژوهش‌های فقهی عرصه حکومت، می‌تواند زیربنای برداشت‌ها و تحلیل‌های تازه و کارآمدی در عرصه پژوهش‌های فقهی مرتبط با حکومت و حکمرانی اسلامی باشد.

اکنون به عنوان نمونه‌ای از طرح کلی پژوهش فوق‌الذکر، به گوشه‌های از زوایای فقه دولت در تراث فقهی قاضی ابن براج در کتاب المهدب خواهیم پرداخت.

۱. معرفی قاضی ابن براج

سعدالدین ابوالقاسم عبدالعزیز بن نحریر بن براج طرابلسی، معروف به قاضی ابن براج، از فقهای بنام امامیه در سده پنجم هجری قمری است که در مصر به دنیا آمد و رشد و نمو یافت. آوازه سید مرتضی علم‌الهدی، ابن براج را به جمع شاگردان سید در بغداد کشاند. او نزدیک هفت سال و تا پایان عمر سید مرتضی از شاگردان مبرز سید بود. پس از آن در حلقه شاگردان شیخ طوسی درآمد و از ملازمان شیخ بود. ابن براج پس از چند سال ملازمت با شیخ طوسی به‌عنوان نماینده او به شام هجرت کرد و از علمای بزرگ فقه و فقاقت در آن دیار بود. او از سوی جلال‌الملک در سال ۴۳۸ قضاوت منطقه طرابلس را پذیرفت و در آن منطقه به رتق و فتق امور مسلمین پرداخت و به همین دلیل به «قاضی ابن براج» شهرت یافت. تألیفات متعددی در فروع فقهی برای وی نام برده شده است، اما آنچه امروزه موجود و در دسترس است

کتاب‌های «شرح جمل العلم و العمل»، «جواهر الفقه» و «المهذب» است. قاضی ابن براج طرابلسی پس از تلاش فراوان و مجاهدت خستگی‌ناپذیر در راه تبلیغ و اجرای احکام اسلام، سرانجام در سال ۴۸۱ قمری دیده از جهان فروبست (ن.ک. بحرالعلوم، ۱۳۹۶: ۳؛ سبحانی، ۱۳۷۶: ۲۸۴-۲۸۶؛ بخشایشی، ۱۳۷۶: ۸۹).

در ادامه زوایایی از تراث فقهی قاضی ابن براج را در زمینه فقه دولت در المهذب مرور می‌کنیم.

۲. معرفی کتاب المهذب

کتاب «المهذب» از جمله کتب مبسوط فقهی در دوره قدامی از فقه‌های امامیه به‌شمار می‌رود. این کتاب شامل یک دوره کامل فقه استدلالی از کتاب الطهاره تا الدیات می‌باشد. این کتاب پس از «جواهر الفقه» و در زمانی که مؤلف، دارای منصب قضا بوده، تألیف شده است. از این رو در فقه سیاسی دارای اهمیت ویژه‌ای است، چراکه توسط کسی تألیف شده که سالها از نزدیک با مسائل جاری حکومت آشنا شده و به‌ویژه مباحث قضا را در عمل تجربه کرده است.

ساختار کتاب «المهذب» از دو بخش اصلی تشکیل می‌شود. بخش اول احکامی است که مبتلی به عموم مردم است شامل صلاه، حقوق اموال، صوم، حج و جهاد. بخش دوم که مابقی ابواب فقهی را در خود جای داده تحت عنوان احکامی که مبتلی به عموم نیست، مطرح شده است.

از نکات جالب توجه در «المهذب» مبحثی است که تحت عنوان کتاب «الطب و الاستشفاء بالبر و فعل الخیر» است که در آن به ذکر احادیثی در رابطه با شفاء از طریق انجام کارهای خیر پرداخته شده است. توجه ویژه به مباحث عرفانی و اخلاقی مانند نماز شب و ادعیه آن و همین‌طور فتح بابی با عنوان «الزیارات» و ذکر زیارت پیامبر اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) از خصوصیات کتاب «المهذب» می‌باشد.

با آنکه مؤلف در عصر غیبت کبری می‌زیسته است از مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب توجه نویسنده به مباحث اجتماعی و حکومتی و تبیین مفصل و مبسوط این مباحث نظیر: جهاد، اقامه حدود، نماز جمعه، قضاوت، امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد.

۳. فقه دولت در المهذب

۳-۱. پرداخت خمس و زکات در عصر غیبت به فقیه جامع الشرائط

– در عصر غیبت باید زکات به فقهاء پرداخت شود تا به موارد مصرفش برسانند: «فان لم یکن الامام ظاهرا کان علیه حملها الی فقهاء الشیعه، لیضعها فی مواضعها، لأنهم أعرَف بذلک» (ابن براج، ۱۴۰۶، ۱: ۱۷۵).

- پرداخت سهم امام(ع) در عصر غیبت به فقهاء شیعه مورد وثوق از جهت دینی و امانت داری «دفعها الی من یوثق بدینه و أمانته من فقهاء المذهب» (همان: ۱۸۱).

درحقیقت ابن برآج با دو فتوای بالا، منابع مالی مربوط به دو فریضه از فرایض اسلامی یعنی خمس و زکات را به فقیه جامع شرایط اختصاص می‌دهد و به این صورت زمینه برای بسط ید فقیه را در زمان قبض ید امام(ع)، برای رسیدگی به امور شیعه و ایجاد قدرت مرکزی در میان آنها، به محوریت فقیهان و ایجاد یکپارچگی در میان آنان و حل مشکلات و جلوگیری از هم پاشیدگی آنها را فراهم می‌آورد و بدینصورت است که نظام تقلید فقیه و نهاد مرجعیت در شیعه بدون نیاز به رجوع به حکومت‌های نامشروع و حکام جائز در طول عصر غیبت تشکیل می‌گردد، نهادی که تاکنون در میان تمامی شیعیان جهان ادامه دارد. برخلاف روحانیت اهل تسنن که از این وضعیت محروم‌اند.

۲-۳. منابع مالی نظام اسلامی

نظام اسلامی برطبق تراث هزار و چند صد ساله‌ی فقهی، اموال کثیری را در اختیار دارد که درجای جای المذهب، قاضی ابن برآج به تفصیل احکام آن می‌پردازد:

- خمس و زکات که پیش‌تر اشاره شد.
- اخذ جزیه از اهل کتاب و برخی مشرکان برطبق قرارداد و پیمان ذمه از منابع دیگر منابع دولت اسلامی است (همان، ۱: ۱۸۴، ۲۰۸-۲۰۹).
- غنائم پیش از تقسیم در اختیار امام المسلمین است و می‌تواند اموال ویژه‌ای را که مصلحت بدانند، در اختیار نظام اسلامی قرار دهد (همان، ۱: ۱۸۶).
- انفال: انفال عمده ثروت‌های زمین را تشکیل می‌دهد، و شامل اراضی موات، جنگل‌ها، معادن و میراث من لاوارث له و... می‌شود. مالکیت یا ولایت بر تصرف در این اموال در اختیار امام المسلمین است. مردم بدون نظر و اشراف امام، حق تصرف در این اموال را ندارند (همان).
- اراضی موات: مالکیت یا ولایت در تصرف اراضی موات بر اساس مبانی فقهی، در اختیار امام و حاکم بوده، یکی از منابع مالی دولت اسلامی به شمار می‌رود. امام می‌تواند با شرایطی و طبق مصالحی و در برابر دریافت عوارض و مالیات، احیاء و حق تصرف در آنها را به دیگران واگذار کند. این اراضی حتی شامل اراضی بلاد شرک هم که سابقه مالکیت ندارد، می‌شود. درحقیقت ولایت بر تصرف اراضی موات بخشی از انفال است که اختصاص به خدا و رسول و امام دارد (همان، ۲: ۱۵، ۱۶، ۲۷).

- معادن: معادن هم جزئی از انفال است که مالکیت و ولایت و حق تصرف در آن به امام و دولت اسلامی اختصاص دارد. بدین صورت ثروتی عظیم در اختیار نظام امامت قرار می‌گیرد (همان، ۲: ۳۲-۳۴).

- ارث من لاوارث له: در موارد بسیاری میراث افرادی که وارث ندارند، متعلق به بیت المال می‌باشند، در این موارد جناب ابن برآج، گاهی تعبیر به: «میراثه لیبیت المال» می‌کند و گاهی می‌گوید: «میراثه لامام المسلمین»، اینکه آیا این دو تعبیر یکی است یا آثار و احکام متفاوتی بر آن مترتب می‌شود؟ نیاز به بررسی بیشتر و پژوهشی جداگانه درجای خود دارد (همان، ۲: ۱۴۱-۱۴۲).

- دیه مقتول بدون ولی: امام به عنوان ولی دم مقتولی که عمداً به قتل رسیده است، می‌تواند دیه بگیرد و دیه را به بیت‌المال واریز کند. گفتنی است در مواردی هم باید دیه را از بیت‌المال پرداخت، در واقع بیت‌المال همچون استخری است که ورود و خروج دارد، درآمدهای که به آن واریز می‌شود و هزینه‌هایی که در جهت مصالح مسلمین و احقاق حقوق آنان از بیت‌المال پرداخت می‌شود که اشاره خواهد شد.

۳-۳. هزینه‌های بیت‌المال

اموالی که به بیت‌المال واریز می‌شود جزء درآمدهای آن محسوب می‌شود و متعلق به مصالح مسلمانان است و لذا هرکجا نیاز و مصلحت عمومی باشد، در آن زمینه این اموال تحت اشراف حاکم اسلامی مصرف می‌گردد و هرکجا مصلحتی نباشد یا شارع در فقه تصریح نکرده باشد، نمی‌توان بیت‌المال را هزینه کرد؛ چون بیت‌المال و تصرف در آن، چارچوب و حدود و ثغور معینی در شریعت دارد و بدون نظامنامه نیست که بارأی شخصی به هرجهت مصرف شود. پاره‌ای از این موارد را که در المذهب مطرح شده است، مشاهده می‌کنیم:

- پرداخت بهای آزادی اسیران از بیت‌المال: از مواردی که ولایت مطلقه امام و منصوب او مقید می‌شود که نمی‌تواند بیت‌المال را هزینه کند، آن است که امام بخواهد در برابر آزادی گروهی از مسلمانان به کفار فدیة از بیت‌المال بپردازد، چنین پیمان و عقدی فاسد است و فدیة آن را هم نمی‌توان از بیت‌المال هزینه کرد (همان، ۱: ۳۸۱).

- پرداخت بدهی عبد بابت آزادی او: یکی از هزینه‌های بیت‌المال (زکات) در مورد عبدی است که عقد کتابت با او بسته شده است و مقداری را هم پرداخته، ولی نتوانسته بقیه بدهی خود را برای آزادی خویش بپردازد، در این صورت حاکم نسبت به پرداخت آن از بیت‌المال اقدام می‌کند (همان، ۲: ۲۶۹).

- کمک به ازدواج جوانان: از جمله مواردی که بیت‌المال هزینه می‌شود، پرداخت هزینه‌های ازدواج کسانی است که به ازدواج نیازمند می‌باشد، چون این از سیاست‌های کلی نظام اسلامی در مسیر حفظ عفت جامعه و صیانت از خانواده محسوب می‌شود، که مسیر ازدواج را تسهیل کند و حتی از بیت‌المال هزینه نماید تا جوان محتاج به ازدواج، به انحرافات جنسی همچون خودارضایی مبتلی نگردد. چنانچه قرآن کریم به همگان حتی حکومت اسلامی دستور می‌دهد: «وانکحوا الایامی منکم والصالحین من عبادکم و إیمانکم ان یکونوا قراء یعنیهم الله من فضله والله واسع علم» (نور: ۳۲) (همان، ۲: ۵۳۴).

۳-۴. حدود و ثغور ولایت مطلقه حاکمیت اسلامی

اگرچه ولی امر مسلمین که به عنوان امام و سلطان الاسلام، سلطنت مطلقه دارد، ولی طبق نظام جامع فقه اسلامی، حدود و ثغوری برای آن مطرح است که در فقه ابن‌براج هم منعکس است:

- قاعده لاطاعة لمخلوق فی معصیه الخالق: یکی از قواعد فقهی مهم قاعده لاطاعة لمخلوق فی معصیه الخالق است که اختیارات نظام اسلامی و ولایت مطلقه حاکم اسلامی را محدود می‌کند. طبق این قاعده اگر خلیفه امام بر قتل فرد بی‌گناه فرمان داد، نمی‌توان بی‌گناه را به دلیل فرمان خلیفه امام به قتل رسانید (همان، ۲: ۴۴۶-۴۴۷).

- رعایت حقوق اطفال و حمایت از خانواده: وقتی زنی با کودکش اسیر شدند، امام‌المسلمین با آنکه ولایت مطلقه دارد حق ندارد میان مادر و فرزندش جدایی اندازد و هرکدام را به یکی از غنیمت برندگان تحویل دهد، بلکه باید به گونه‌ای اقدام شود که حقوق انسانی مادر و فرزند حفظ گردد (همان، ۱: ۳۱۸). حکم فوق از جلوه‌هایی مهم حقوق بشر اسلامی و حقوق مادر و نوزاد محسوب می‌شود.

- پرداخت فدیة به کفار: چنانچه گذشت از مواردی که ولایت مطلقه امام و منصوب او مقید می‌شود، آن است که امام بخواهد در برابر آزادی گروهی از مسلمانان به کفار فدیة بپردازد، چنین پیمان و عقدی فاسد است (همان، ۱: ۳۲۱).

- تخلف حاکم از موازین فقهی: حاکم اسلامی در چارچوب موازین فقهی باید اقدام کند و الاً حکمش نافذ نیست. بنابراین مثلاً در اجراء لعان، اول زوج شروع می‌کند و بعد زوجه و چنانچه حاکم برعکس عمل کند، اول از زن بخواهد که قسم بخورد و بعداً زوجه قسم بخورد، حکم حاکم بی‌اعتبار است و مراسم لعان دوباره باید تکرار گردد (همان، ۲: ۳۱۲).

۳-۵. عصر ظهور و عصر استتار امام (ع)

مرحوم قاضی ابن‌براج در بیان احکام عصر غیبت به جای اصطلاح رایج عصر حضور و عصر غیبت امام عصر (عج)، از دو واژه ظهور و استتار بهره گرفته است: «و متی نذر إنسان المرابطة و الامام ظاهر و جب علیه الوفاء بذلك، و كذلك و جب علیه الوفاء به، فان نذر ذلك في حال استتاره صرفه في وجه البر» (همان، ۱: ۳۰۳). ظهور و استتار به نظر رساتر است، چون استتار هم شامل عصر غیبت می‌شود و هم شامل زمانی که امام حضور دارد ولی به دلیل زندان و حصر دشمن و عصر تقیه، امکان رابطه آزادانه با ایشان فراهم نیست، که اصطلاحاً به آن زمان «قبض ید» در برابر «بسط ید» می‌گویند. خلاصه آنکه ظهور و استتار به قبض ید و بسط ید مربوط است و نه حضور و غیبت و ملاک در حکم بالا، قبض ید و بسط ید امام است.

۳-۶. انواع حکومت براساس مبانی فقهی شیعه در مقوله مشروعیت

براساس مبانی فقهی امامیه، اگرچه حکومت‌ها؛ از جهت ساختار یا نحوه‌ی روی کارآمدن و بر قدرت مسلط شدن و یا چگونگی اعمال حاکمیت و غیره متفاوت می‌شوند ولی در یک طبقه بندی کلی براساس اذن الهی و مشروعیتی که دارند به دو گروه تقسیم می‌شوند: «السلطان علی ضریب: أحدهما سلطان الإسلام العادل و الآخر السلطان الجائر» (همان، ۱: ۳۴۶). سلطان اسلام و سلطان جائر، نسبت به اولی اطاعت و التزام سیاسی واجب است و نسبت به دومی هرگونه همراهی و همکاری و التزام حرام و نامشروع است.

۳-۷. لزوم حفظ اقتدار نظام توسط امام

از عمده وظایف کارگزاران نظام اسلامی، از شخص حاکم و امام المسلمین تا سایر مراتب، حفظ اقتدار در برابر دشمنان خارجی و نفوذی‌های داخلی ایشان است، برخی از احکام مرتبط با این مقوله در کتاب مهذب مشاهده می‌شود از جمله:

- برخورد امام با عوامل داخلی دشمن؛ دروغ‌سازی (ارجاف)، شایعه‌پراکنی (تحویل) و جواسیس: «إذا عرف الامام من رجل الإرجاف و التحویل و معاونة المشركين كان له ان يمنعه من الغزو». ارجاف در لغت به معنای اضطراب و ارتعاش و در اصطلاح فقهی به معنای دروغ‌پراکنی و نشر اخبار کذب است. این اصطلاح در کتاب جهاد مطرح است. مرجفون کسانی می‌باشند که اخبار دروغ پخش می‌کنند؛ مثلاً به دروغ از اجتماع کفار علیه مسلمانان خبر دهند. همچنین تحویل در لغت به معنای جابه‌جا

کردن و از حالی به حالی برگرداندن است؛ ولی در اصطلاح فقهی در موارد مختلف به کار رفته است از جمله در کتاب جهاد منظور کسانی هستند که در میان نیروهای خودی با گفتن مطالبی همچون گفتن اینکه ما توان جنگ و مقابله با دشمن را نداریم تا روحیه مقاومت مسلمانان را بشکنند (نجفی، بی تا، ۳: ۲۰۶-۲۰۸؛ شاهرودی، ۱۳۸۲، ۱: ۳۵۲).

در اینجا سه عامل مهم جنگ روانی و نفوذی‌های دشمن علیه مسلمانان مطرح شده است. گروه اول دروغ‌سازان و کسانی هستند که در یک جنگ رسانه‌ای اخبار دروغ منتشر می‌کنند. گروه دوم ارباب رسانه هستند که با پخش مطالبی روحیه نیروهای خودی را تضعیف می‌کنند، گروه سوم هم نفوذی‌ها و جواسیس می‌باشند که به دشمن کمک و یاری می‌رسانند: «و الإغاة ان یری عینا منهم یطلعهم علی عورات المسلمین أو یکاتبهم بأخبارهم» (ابن‌براج، همان، ۱: ۲۶۷). جواسیس به عنوان «عین» دشمن عمل می‌کنند اسرار مسلمانان را به دشمن می‌رسانند و اخبار را به آنها می‌نویسند. امام این سه گروه را اجازه نمی‌دهد که در جنگ، مسلمانان را همراهی کنند و آنها را از میان لشکر اسلامی اخراج می‌کند.

- اختیارات نظام اسلامی در برخورد با شورشگران برانداز(بغاة): بغی در لغت به معنای طلب، ظلم، فساد و تجاوز از حق آمده است. در اصطلاح فقهی، بغی عبارت است از: خروج برضد امام و حاکم اسلامی، اعم از خروج گروهی یا فردی تفاوت محاربه با بغی آن است که محاربه در دست گرفتن سلاح به هدف ایجاد رعب و شرارت جامعه برای جلب منافع مادی انجام می‌گیرد، برخلاف بغی که هدف براندازی دارد و شورش تلقی می‌شود، محاربه ممکن است از طرف کافر باشد ولی بغی از سوی مسلمان است، محاربه دارای حدّ و مجازات معین است ولی بغی کیفرهای متفاوت دارد (نجفی، همان، ۲۱: ۳۲۲؛ حلی، بی تا، ۱: ۴۵۲؛ و...).

در مورد مبارزه با بغات ابن‌براج می‌گوید: قتال با بغاة تا زمانی که به امر الهی تمکین کند، بر مؤمنان نیز وقتی امام آنان را به قتال با بغاة دعوت می‌کند، واجب است. مقاتله با بغاة مانند مقاتله با مشرکان است. هنگامی که سپاه بغاة شکست خورد، اگر در پشت جبهه پیشینیانانی دارند که به آنها پناه می‌دهند می‌توان به فراریان آنها حمله برد و مجروحان آنها را به قتل رسانید و اموالی را که در سپاه دارند به غنیمت گرفت ولی بقیه اموالشان غنیمت گرفته نمی‌شود و فرزندان آنها هم اسیر نمی‌شود؛ اگر پناه دهنده‌ای در پشت جبهه ندارند، فراریان تعقیب نمی‌شوند و مجروحان را نمی‌کشند، اموالشان هم -آنهایی که به دست سپاهیان افتاده- غنیمت گرفته می‌شود (ابن‌براج، همان، ۱: ۳۲۵-۳۲۶).

- اختیارات نظام اسلامی در برخورد با برهم زندگان امنیت عمومی (محرابان): پیش تر به تفاوت محارب با باغی اشاره شد، محارب کسی است که برای کسب منافع و دستبرد به اموال دست به شرارت در میان مردم می زند و اسلحه به روی آنها می کشد. محاربان حدّ می خورند و مجازات های مختلفی دارند. از جمله مجازات هایی که به عنوان کیفر محارب در فقه توسط نظام اسلامی و امام المسلمین اجراء می گردد به دار آویختن است. نوعی دیگر از کیفر محاربان، تبعید آنان به مناطق دیگر است (همان، ۲: ۵۵۳).

- روابط بین الملل و پناهندگی به محارب: چنانچه محارب به بلاد مشرکان گریخت و آنان به او پناه و قدرت و امکانات دادند، قتال و جنگ با دولت مشرک پناه دهنده مجاز خواهد بود این هم از جلوه هایی مهم حفظ اقتدار نظام اسلامی و امنیت مردم و جامعه ی اسلامی است که برعهده حاکمیت است: «فان قصد (المحارب) بلاد الشرك منع من الدخول إليها، فان مكّوه من ذلك قوتلوا علیه» (همان).

۸-۳. پیمان امان دهندگی (عقد الأمان)

از جمله عقود و پیمان های اسلامی که در باب جهاد مطرح شده است و همچون عقود اقتصادی مثل بیع و اجاره و عقد ازدواج، ارکان و احکام و شرایط مهمی دارد، عقد امان است. امان در لغت به معنای آرامش یافتن و برطرف شدن ترس است و در اصطلاح فقهی به معنای تأمین و مصونیت جانی و یا مالی و یا عرضی کافر از طرف ولیّ امر اسلامی یا از طرف مسلمانان است. هدف از اعطاء امان و پیمان امان نامه آن است که کافران حربی به حیطة حکومت اسلامی با امنیت کامل وارد شوند، سخن الهی را بشنوند و دو باره به جا و مکان خویش با همان امنیت و مصونیت تضمین شده باز گردند. این اعطاء مصونیت حتی توسط پایین ترین افراد مسلمان از جهت رتبه اجتماعی همچون بندگان و نوکران اعتبار دارد و اختصاص به امام المسلمین ندارد. عقد امان با پناهندگی که امروزه رایج است تفاوت اساسی دارد. همچنین با عقد هدنه، عقد ذمه و عقد صلح نیز تفاوت های اساسی دارد. این سه عقد تنها توسط حاکم و امام منعقد می شود، ولی عقد امان را هر مسلمانی می تواند امضاء کند. در مجموع این پیمان ها، از ممتازترین بخش های فقه سیاست و فقه حکومت و حقوق اسلامی است که از زمان نزول قرآن در معارف و اندیشه اسلامی و در تمامی تراث فقهی به طور مفصل با احکام فراوان مطرح گردیده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ذیل واژه امن؛ نجفی، همان، ۲۱: ۹۲). از نکات مهم عقد امان آن است که حتی ممکن است عقد امان به جهت تجارت و بازرگانی باشد. در این صورت آن کافر حربی، جان و مال او و کسانی که همراه او هستند، خواه از نزدیکان او باشند، خواه نباشند، در امنیت کامل خواهد بود (همان، ۱: ۳۰۵-۳۰۸).

۹-۳. نظام قتال و جنگ در فقه اسلامی

با آنکه فطرت انسانی به حسب طبع اولیه از جنگ و خونریزی گریزان است؛ ولی تاریخ بشر همواره با جنگ و قتال و خونریزی مقرون بوده است، گویا به عنوان یک طبیعت ثانوی، حسّ زیاده‌خواهی و تجاوز از عدل و انصاف و شهرت و قدرت و ثروت عده‌ای از آدمیان را همواره به سمت قتل هم‌نوع خویش کشانیده است و کسانی هم که تحت عنوان تجاوز دشمن قرار گرفته اند، چاره جز دفاع از خویش در برابر متجاوزان نداشته‌اند. بنابراین هیچ نظام حقوقی نمی‌تواند چشم بر روی جنگ ببندد و برای قتل و غارت‌ها و خونریزی‌های جمعی، برنامه و قانون و استراتژی مشخصی نداشته باشد، نظام جامع حقوق و فقه اسلامی نیز از این قاعده عقلایی بیرون نیست فقه اسلامی برای قتال و جنگ، نظامی جامعی طراحی کرده است که در ادامه زوایایی از این نظام جامع را که برگرفته از کتاب المذهب است، مشاهده می‌کنیم.

- اصل تقدّم دعوت کفّار به اسلام بر قتال با آنان: تقدم دعوت عالمانه و اقناع کننده به توحید و اسلام بر قتال و مبارزه از احکام مهمی است که دلالت دارد بر اینکه اصل در اسلام و قاعده‌ی اولیه جنگ و قتال نیست، بلکه قتال عنصر ثانوی و از باب ضرورت تحمیل می‌شود (همان: ۳۰۳-۳۰۴).

- اصل تقدم دعوت بغاه (شورشگران برانداز) بر قتال با آنان: چنانکه پیش از این گذشت، اصل در فقه اسلامی بر جنگ و قتال نیست، قتال اصالت ندارد و حالت عارضی دارد چه بسا بتوان آن را از احکام ثانویه به حساب آورد (همان، ۱: ۳۲۵).

- انعقاد پیمان‌نامه‌های چهارگانه امان، هدنه، ذمه و صلح با دشمن، این عقود چهارگانه، از ممتازترین بخش‌های فقه، سیاست و حکومت اسلامی است که از زمان نزول قرآن در معارف و اندیشه اسلام و در تمامی تراث فقهی به طور مفصل با احکام فراوان مطرح گردیده است (نجفی، همان، ۲۱: ۹۲).

- اصل حرمت کشتار زنان (غیر نظامیان): حرمت قتل زنان ولو در قتال شرکت کرده باشند (مگر در صورت ضرورت)، حکم مهمی در ارتباط با حفظ حریم زن و خانواده محسوب می‌شود، گذشته از آنکه نشانگر لزوم حفظ جان غیر نظامیان و محقون الدم بودن ایشان نیز هست (همان، ۱: ۲۲۹-۳۰۳).

- تلاش در محدود کردن قتال و خونریزی: احکام دیگری مثل حرمت قتال در ماه‌های حرام و کراهت شیبخون به دشمن، نشانگر آن است که اصل و هدف تلاش حدّ اکثری در جلوگیری از خونریزی و شعله‌ور شدن آتش جنگ است و مسئله قتال و کشت و کشتار به عنوان یک ضرورت از سری ناچاری مطرح شده است (همان، ۱: ۳۰۲-۳۰۵).

- حفظ کرامت انسانی و حقوق بشر: الف) حرمت مثله؛ ب) حرمت نقض عهد، احکامی همچون حرمت مثله و به‌ویژه ممنوعیت نقض عهد و پیمان با مشرکان، از افتخارات نظام جامع فقه اسلامی است که در ارتباط با حقوق انسان دارای اهمیت و حفظ کرامت بشر می‌باشد که در بیش از ده قرن پیش به صورتی زیبا تنظیم و بیان شده است (همان، ۱: ۳۰۳).

- ممنوعیت سلاح‌های غیرمتعارف (کشتار جمعی) و حفظ محیط زیست: ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های غیر متعارف مثل پخش سم در دیار دشمن و ممنوعیت قطع درختان میوه و آتش زدن آنها، از احکام مهمی است که در ارتباط با حفظ محیط زیست و حقوق بشر و جلوگیری از بکارگیری سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای می‌باشد و در جهاد اسلامی پیشینی شده است (همان، ۱: ۲۹۹-۳۰۲).

- مقاومت: با آنکه در احکام و آداب جنگ تلاش حداکثری برای جلوگیری از کشتار بویژه بی‌گناهان و رعایت حقوق انسان و کرامت بشر که در پیش‌تر نمونه‌هایی از آن مثل ممنوعیت مثله، نقض عهد، کشتار زنان و... گذشت، ولی چون احکام اسلام به صورت اعتدال و به دور از افراط و تفریط تنظیم می‌شود، لذا عنصر مقاومت در برابر دشمن که آماده خون‌ریزی است، از اهمیت ویژه برخوردار است و لذا مثل حرمت فرار از معرکه و لزوم ثبات این چهره از قتال نیز ارائه شده است (همان، ۱: ۳۰۳).

بنابراین چنین نیست که بتوان با نام‌هایی همچون «اسلام رحمانی» و رأفت اسلامی، منکر قتال و ضرورت جنگ به عنوان یک حکم ثانوی شد؛ بلکه در اسلام تلاش حداکثری بر جلوگیری از جنگ و خون‌ریزی است ولی در صورت ضرورت هم، برای حفظ کیان اسلامی و منافع مسلمانان و جلوگیری از متجاوز و زیاده‌خواهی و گسترش باطل و نقض حریم کرامت انسانی و فطرت توحیدی چاره‌ای جز مقاومت تا آخرین قدم نیست. حفظ این اعتدال برآورد نظام قتال در فقه اسلامی است.

۱۰-۳. نمونه‌هایی از نظام جامع قضاء اسلامی

نظام قضاوت در فقه اسلامی، بسیار مفصل و دقیق و جامع است، در ذیل به گوشه‌هایی از این موضوع که در المذهب منعکس است اشاره می‌کنیم:

- زندانی کردن ناقض پیمان امان: از موارد که به موضع حبس و زندان در فقه اسلامی تصریح شده است، این است که اگر مشرکی با مسلمانان پیمان امان در برابر جزیه، بپردازد ولی بعداً آن را نقض کند و تصمیم بگیرد به دارال‌حرب رجوع کند می‌توان او را زندانی کرد.

- زندانی کردن ایلاء کننده: از مواردی که تصریح به حبس در تراث فقهی آمده است، در مورد ایلاء است جایی که زوج با قسم خود قصد اضرار به زوجه را دارد نه طلاق می دهد و نه کفاره می پردازد و نه رجوع می کند در این صورت زوج را زندانی می کند (ابن براج، همان، ۲: ۳۰۱).

- رسیدگی به منازعات مالی توسط حاکمیت اسلامی: بخش عظیمی از مسئولیت های حکومت متوجه دستگاه قضایی نظام اسلامی است و از جمله ی آنها رسیدگی به منازعات مالی جامعه است که بر اثر عقود اقتصادی و وصیت و غیر پدید می آید (همان، ۲: ۴۶).

- تعزیرات حکومتی: از اختیارات امام المسلمین تعزیر مجرم به عنوان یکی از کیفرهای اسلامی است، از جمله نسبت به مرد خصی فریبکار که عیب خود را پوشانیده و بازنی ازدواج کرده است درحالی که خصی بوده است. امام او را تعزیر می کند (همان، ۲: ۴۶).

- اختیارات حاکم اسلامی ومقدار تعزیر: تعیین مقدار تعزیر از طرف فقه اسلامی به امام واگذار شده است که طبق آنچه را صلاح می بیند اقدام نماید (همان، ۲: ۵۳۴).

- قاعده قرعه: در فقه قاعده قرعه به رسمیت شناخته شده است و حاکم شرع در مواردی با استفاده از این ابزار رفع مشکل می کند و پرونده را مختومه می نماید (همان، ۲: ۳۴۰-۳۴۱).

- عنصر مصلحت و اختیار حاکم در تعیین نوعی کیفر: از اختیاراتی که به امام المسلمین در اجراء حدود در فقه داده شده است، تعیین نوع مجازات حدّ لواط است که برطبق صلاح اقدام می کند نه برطبق خواسته های نفسانی (همان، ۲: ۵۳۰).

- کیفر مجرم براساس تفکیک میان حق الناس و حق الله: در مباحث حدود، حدود مربوط به حق الناس مثل قتل و سرقت و قذف، از حدود مربوط به حق الله، کاملاً متمایز است. اقامه ی حدّ در حقوق الناس متوقف بر مطالبه صاحبان حق است. (همان: ۵۲۶).

- مسئولیت نظام اسلامی در حفظ حرمت مقدسات: هتک حرمت مقدسات همچون زمان های مقدس مثل ماه رمضان و یا مکان های مقدس مانند حرم های شریف به نوبه خود جرمی است که نظام اسلامی نسبت به جلوگیری از آنها مسئولیت دارد و نسبت به کیفر مجرم اقدام می کند (همان، ۲: ۵۳۵).

- مسئولیت نظام قضاء اسلام در برخورد با مفسدان اقتصادی: اختلاس گران که اموال مردم را از طرق

و شوارع می‌ریبند و همچنین محتالانی که با حيله و خدعه و سند سازی و شهادت دروغ و غیره به چپاول اموال مردم می‌پردازند و کسانی که از طریق خوراندن و نوشانیدن چیز مسموم افراد را بیهوش می‌کنند و سپس اموال آنها را به سرقت می‌برند، مسئولیت شناسایی این افراد، بر عهده نظام اسلامی و امام جامعه است که این مجرمان را به عقوبت برساند و حافظ امنیت اقتصادی جامعه به عنوان حق الناس و به عنوان مهمترین وظیفه حاکمیت همچون حفظ جان مردم باشد (همان، ۲: ۵۵۴).

- احضار به دادگاه تمامی اقتشار جامعه: احکام مهمی در آیین دادرسی فقه اسلامی نهفته است، از جمله عدم تبعیض میان اقتشار مختلف است، مشککی علیه اگرچه از خانواده‌های معروف و آبرومند و پرنفوذ باشد، باید در دادگاه حاضر شوند و با دیگران تفاوتی ندارند در چگونگی احضار و تفصیل آن پیش‌بینی‌های دقیق، در تفصیل این اصل فقهی مشاهده می‌شود (همان: ۵۸۱-۵۸۳).

- پیش‌بینی قاضی مأمور از طرف حاکم در نظام قضاء اسلامی: در این حکم که از طرف حاکم و امام المسلمین کسی مأمور می‌شود تا در منزل زنان مخدّره به قضاوت و داوری بپردازد، نشان می‌دهد که در نظام قضاء اسلامی قضات مراتبی دارند و در این نظم قاضی مأمور که از طرف حاکم اجازه می‌یابد تا دادگاهی را در منزل مشککی عنه و با حضور شاکی برگزار کند پیش‌بینی شده است: «فان کانت مخدّره بعث الیها من یقضی بینها و بین خصمها فی منزلها» (همان، ۲: ۵۸۳-۵۸۴).

نکته بالا مهم است و طبق آن جایگاه داوری توسط قضات مأمور و قضات مأذون را از تراث اولیه فقه می‌توان استخراج کرد و نشان داد، قضاوت منحصر در حاکم اسلامی و یا مجتهد مطلق و ولی امر نیست، بلکه افرادی صلاحیت‌دار در سایه فرمان و اذن حاکم هم می‌توانند به این کار اقدام کنند.

۱۱-۳. نظام اسلامی و حفظ محیط زیست

- جلوه‌هایی از اهتمام فقه اسلامی به محیط زیست را می‌توان در تراث فقهی ابن برّاج مشاهده کرد. به عنوان نمونه: اختیارات و تکالیف امام در حفظ منابع طبیعی: استفاده از منابع طبیعی مثل آبها و سدّ سازی و تغییر مسیر آنها همگی با هماهنگی نظام اسلامی باید به گونه‌ی انجام شود، که موجب ضرر به این آبها نگردد (همان، ۲: ۳۹-۴۰).

- حقوق حیوانات: نظام اسلامی نسبت به رعایت حقوق حیوانات مسئولیت دارد و در مواردی که مالک حیوان به طور شایسته از آن نگهداری نمی‌کند و مثلاً علوفه به او نمی‌دهد، در راستای

استیفاء حقوق حیوانات حاکم اسلامی باید به اقدام بپردازد. (المهذب، ج ۲، ص ۳۵۴)

- حقوق حیوانات و مسئله امداد: آنچه در مورد امداد و کمک به اقشار آسیب پذیر که در بند ۱۳ خواهد آمد. براساس راهبرد و برنامه جامع فقه اسلامی اختصاص به انسانها ندارد، بلکه شامل حیوانات هم می شود، اگر حیوانی اهلی مثل شتر و گاو پیدا شد، باید او را حفظ کرد و از بیت المال هزینه نگهداری او را تأمین کرد، تا زمانی که صاحبش یافت شود و آن را جبران کند و حتی در زمان حاکمیت سلطان جور نیز وظیفه متدینان ساقط نمی شود و آنان نسبت به حفظ و نگهداری این حیوانات تکلیف دارند، در حقیقت این قبیل احکام تشریح حق برای حیوانات بر عهده مردم و حاکمیت مبنای چنین احکامی است (همان، ۲: ۵۶۹).

۱۲-۳. مسئولیت نظام اسلامی نسبت به زن، خانواده و مقوله‌ی عفت

- حفظ حریم زنان: با توجه به احترام و حرمتی که اسلام برای زن و حفظ حریم خانواده و کرامت آن در نظر دارد، این موضوع در فقه نمود خاصی دارد. از جمله اینکه حتی در مواردی حاکم، احکام اسلامی را در منزل نسبت به زن به اجراء می گذارد تا نیازی به بیرون رفتن او از منزل نباشد (همان، ۲: ۳۲۷).

- تقدم حفظ عفت خانوادگی بر احضار متهم: یک اصل کلی در نظام اسلامی حاکم است و آن اینکه هر متهمی را هرکس باشد حتی اگر امام المسلمین هم باشد. می توان به دادگاه احضار کرد و هیچکس نسبت به این حکم مصونیت ندارد. از اصل بالا تنها یک مورد مستثنی است و آن تفاوت میان زنان مخدّره است که برای تأمین نیازهای زندگی خود شان از منزل بیرون نمی روند و زنان بارزّه که همچون مردان، خود شان نسبت به تهیهی لوازم زندگی و حوائج شخصی به کوی و برزن می روند. دسته‌ی اول از زنان از این حق برخوردارند که اگر از اینها شکایت شد، حاکم اسلامی، یک فرد قاضی را به منزل آنها برای داوری و دادرسی اعزام می نماید، این جایگاه و حرمتی است که برای حفظ حریم زنان عقیف و کرامت خانواده‌های محجوب در نظام جامع فقه اسلامی تدارک دیده شده است (همان، ۲: ۵۸۳).

۱۳-۳. نظام جامع فقه اسلامی و مقوله‌ی امداد

کفالت افراد پیدا شده و کودکان سرراهی (لقیط) که امروزه از وظایف سازمان‌های امدادی همچون بهزیستی و هلال احمر و مانند آن تلقی می شود، از موارد مهمی است که در تراث فقهی امامیه بیش از هزار و چندصد سال قبل پیش بینی شده است و مسئولیت اصلی آن را متوجه حاکمیت می داند که به عنوان یکی از مصالح مسلمانان از بیت المال هزینه‌های آنان تأمین شود. به طور کلی

اقتدار آسیب‌پذیر و کسانی که در درون جامعه اسلامی نیازمند حمایت می‌باشند و بر اثر حوادث مختلف شخصی مثل فقر و خانوادگی مثل اختلافات و مشکلات اجتماعی مانند جنگها و فتنه‌ها و حوادث طبیعی مثل سیل و زلزله و بیماری‌های صعب‌العلاج و مسری به طور کلی کسانی که نیازمند امداد می‌باشند از باب حق الناس و تکالیف حاکمیت باید نظام اسلام تدبیری داشته باشد و چنانچه دسترسی به دولت و حاکمیت نیست، چیزی از مسئولیت مردم و جامعه کم نمی‌شود، بلکه خود مردم رأساً باید به اقدام پردازند.

حکم بالا نشان‌گر این حقیقت است که، مسئله امداد و نجات که امروزه در کشورهای غربی و پیشرفته روی آن تأکید می‌شود و به عنوان یکی از مقولاتی است که جهان جدید نسبت به آن می‌نازد و آن را از جلوه‌های زیبای رعایت حقوق انسانی می‌داند، به طور کاملاً الهی و انسانی در نظام جامع فقه اسلامی به خوبی از قرن‌ها پیش مشاهده می‌شود (همان، ۲: ۵۶۹).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هرچند در طول تاریخ، پیروان اهل بیت (ع) جز در برهه‌هایی کوتاه و محدود از حضور در عرصه حکومت‌داری به دور بوده‌اند؛ اما فقیهان شیعه از پرداختن به جنبه‌های حکومتی فقه، غافل نبوده‌اند. بی‌جویی محورهای مرتبط با دولت، در تراث فقهی ایشان گنجینه‌ای ارزشمند از مباحث پژوهشی و علمی را به نمایش می‌گذارد که می‌تواند زیربنای کارآمدی افزون‌تر، برای مباحث پژوهش‌های نوین، مرتبط با دولت در آینده قرار گیرد. نمونه این ملامت را در کتاب المهدب اثر گرانسنگ فقیه قدیم قاضی ابن براج می‌توان مشاهده کرد. کتاب المهدب دارای اهمیت ویژه در فقه دولت است؛ چون توسط فقهی تألیف شده که سال‌ها از نزدیک مسائل حکومت‌داری بویژه مباحث قضاء را تجربه کرده است.

در این مقاله به طور فشرده سیزده محور از محورهای اصل مرتبط با دولت گزارش شده است:
- پرداخت خمس و زکات در عصر غیبت به فقیه جامع الشرائط، به عنوان زیربنایی برای نهاد مرجعیت در میان شیعیان.

- منابع مالی دولت اسلامی مثل: انفال، خمس، زکات، جزیه و...

- هزینه‌های را که از بیت المال، امام المسلمین صرف مصالح جامعه‌ی اسلامی می‌کند.

- بیان حدود و ثغور ولایت مطلقه‌ی دولت اسلام و ولی‌ امر مسلمین و تحدید آن به وسیله‌ی

قواعدی همچون: لا طاعة للمخلوق فی معصیة الخالق.

- تعبیر به عصر ظهور و عصر استتار امام؛ به جای عصر حضور و غیبت، جهت نشان دادن اینکه ملاک بسط ید و قبض ید معصوم است اگرچه عصر غیبت هم نباشد.

- حکومت‌ها از جهت مشروعیت سیاسی اگرچه به اقسامی همچون وراثت، آداب و رسوم، کاریزماتیک، قهر و غلبه، قرارداد اجتماعی و مانند آن تقسیم می‌شود؛ ولی طبق مبانی فقهی اهلیت (ع) حکومت، منحصر در دو نوع بیشتر نیست؛ ولایت عدل و ولایت جور.

- حفظ اقتدار نظام اسلامی از عمده وظایف امام و رهبر جامعه اسلامی است.

- از مهمترین پیمان‌های اسلامی که به رسمیت شناخته شده و می‌تواند مانع خونریزی شده و موجب بسط حق و گسترش عدالت باشد و سایه‌ی جنگ را از سر جامعه بردارد، پیمان امان دهندگی و عقد امان است که هر فرد مسلمان هرچند که فردی معمولی بوده و از مقامات هم نباشد می‌تواند چنین پیمانی را با دشمن مشرک، منعقد کند.

- بررسی احکام مربوط به قتال و جنگ نشان‌گر تدوین قوانین نظامی جامعه و دربردارنده‌ی اعتدال در این زمینه است، از یک سو جنگ و قتال به عنوان یک امر واقعی برای جوامع بشری در طول تاریخ در موارد که ضرورت و لزوم که باید در برابر متجاوزان و باطل‌گرایان و مفسدان و ظالمان دست به اقدام زده، به رسمیت شناخته شده است؛ ولی اصالت اولیه ندارد. قوانین اسلامی به گونه‌ی تنظیم شده است که این امر خشن حتی الامکان اولاً با استفاده از شیوه‌های همچون دعوت و تبلیغ و افتاع‌سازی و استدلال به وقوع نیبند. ثانیاً در وقوع آن محدودیت‌های همچون حرمت در ماه‌های حرام و شیخون نزدن ایجاد می‌شود. ثالثاً از کارهای ضد انسانی همچون مثله و نقض عهد و استفاده از ابزارهای کشتار جمعی مثل القاء سمّ و کارهای ضد محیط زیست مثل قطع درختان میوه و کشتار غیر نظامیان مثل زنان و کودکان به عنوان کارهای حرام و ممنوع جلوگیری می‌شود. رابعاً با انعقاد پیمان‌هایی نظیر صلح، ذمه، هدنه (آتش بس) و امان، از خونریزی بیشتر جلوگیری می‌شود. با این وجود از سوی دیگر باید در برابر دشمن متجاوز ایستاد و مقاومت کرد، فرار از معرکه و زحف حرام است و رفتن به معرکه برطبق دستو ولیّ امر و امیرجیش و جهاد مالی و جانی در حمایت از جبهه‌ی اسلامی واجب است.

نگاهی اجمالی به قوانین باب قضاء، نظامی جامعی را در این زمینه نشان می‌دهد، استقلال قضاء و تساوی همه در برابر حق و قانون و اقتدار دستگاه قضاء و حمایت از مظلوم و اجراء قوانین الهی و مبارزه با مفسدان اقتصادی از جمله‌ی این مؤلفه هاست.

- دولت اسلام نسبت به حفظ محیط زیست مسئولیت دارد و باید از آسیب به آن جلوگیری کند.
 - حفظ خانواده و حمایت از زنان به‌ویژه زنان عفیفه و محجوب و تلاش در نهادینه کردن مقولهٔ عفت عمومی و حمایت مالی و عملی از ازدواج جوانان، از مهمترین وظایف دولت اسلامی است.
 - مقولهٔ امداد و کمک به اقشار آسیب پذیر؛ مثل کودکان سر راهی و حتی رعایت حقوق حیوانات از عمده وظایف دولت اسلامی است.

در مجموع بررسی عمیق و عالمانه و غیر جانبدارانه نشان می‌دهد که فقه مذهب اهل بیت (ع)، نظامی جامع برای ابعاد گوناگون حیات بشر؛ از جمله ابعاد سیاسی و اجتماعی طراحی شده است. این نظام دگم و ایستا نیست و از مزایای آن اجتهاد مطابق مقتضیات زمان و مکان با حفظ اصالت آن است و بر پژوهشگران عرصه‌ی فقه است که با تکیه بر تراث گذشته، ظرفیت‌های فقه اسلامی را برای آینده و زندگی بهتر در مسیر سعادت و کمال حد اکثری از منابع اصیل کشف و به فعلیت رسانند.

منابع

بحرالعلوم، سید محمد (۱۳۹۸)؛ دائر المعارف بزرگ اسلامی (جلد سوم)، تهران، مرکز اثرهٔ المعارف بزرگ اسلامی، مرکز پژوهشگاه ایرانی اسلامی.

بخشایشی عقیق، عبدالرحیم (۱۳۷۶)؛ فقهاء نامدار شیعه، قم، دفتر نشر نوید اسلام.
 حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (بی تا)؛ تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع).
 راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)؛ مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار الشامیه.
 سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۷۶)؛ موسوعهٔ طبقات الفقهاء، قسم الثانی من جزء الاول، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
 سعدی ابو جیب (۱۴۰۸)، القاموس الفقہی لغة و اصطلاحا، دار الفکر، دمشق - سوریه.
 شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۲)؛ فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
 صدر، شهید، سید محمد (۱۴۲۰)، ما وراء الفقه، ۱۰ جلد، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت - لبنان
 طرابلسی، قاضی ابن براج (۱۴۰۶)؛ المہذب، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 عاملی، یاسین عیسی (۱۴۱۳) الاصلاحات الفقہیة فی الرسائل العملیة، دار البلاغہ للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت.
 نجفی، محمد حسن (بی تا)؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

